

ارسال: ۱۴۰۴/۱۱/۱۴

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

10.22034/nf.2026.573343.1510

بررسی شواهد درون‌پیکره‌ای و برون‌پیکره‌ای در لغزش زبان

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا* (دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

پرویز قاسمی (استادیار گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، ایران)

چکیده: گاهی واژه‌ها و عبارت‌هایی به صورت هدفمند در همنشینی با یکدیگر قرار می‌گیرند که بافت واجی آنها مورد توجه بوده است. به طوری که، تراکم همنشینی آواهای مشابه در یک عبارت یا جمله از حد معمول فراتر رفته و سرعت گفتار را کند می‌کند. از طرف دیگر، از گویشور زبان فارسی درخواست می‌شود که با سرعت بیش از حد معمول چنین عبارت یا جمله‌ای را تلفظ و تولید نماید. این دو عامل، یعنی تراکم آواهای مشابه و افزایش سرعت با هدف بازی زبانی، موجب بروز لغزش زبانی می‌شود. هدف از این پژوهش بررسی این نوع عبارت‌ها و جمله‌ها به لحاظ واج‌شناختی است. بدین منظور، ۴۰ عبارت که دارای بافت‌های زبان‌گیر هستند، انتخاب و از تعدادی گویشور خواسته شد تا آنها را بی‌وقفه تکرار کنند. برخی از نتایج این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. در شواهد درون‌پیکره‌ای همنشینی تکواژها و واژه‌ها معمولاً با اهداف معنایی، نحوی، یا صرفی انجام می‌شود، درحالی که، در شواهد برون‌پیکره‌ای مانند پدیده لغزش زبان همنشینی واژه‌ها با هدف قرارگرفتن واج‌های یکسان یا مشابه در کنار یکدیگر روی می‌دهد، به طوری که به لحاظ مشخصه‌های تمایزدهنده غالباً به یک طبقه طبیعی تعلق دارند. در این پدیده زبانی گاهی ساخت معنایی، گاهی ساخت نحوی و گاهی هردو تحت تأثیر اهداف بازی لغزش زبانی به حاشیه رانده می‌شوند و غالباً حوزه واج‌شناسی محور توجه قرار می‌گیرد. ۲. بافت‌هایی که در شواهد درون‌پیکره‌ای، به منظور رعایت «اصل مرز اجباری» از آن پرهیز می‌شود، در شواهد برون‌پیکره‌ای مانند لغزش زبانی با هدف سرگرمی، عامدانه در مجاور یکدیگر قرار می‌گیرند.

کلیدواژه‌ها: لغزش زبانی، بازی زبانی، شواهد درون‌پیکره‌ای، شواهد برون‌پیکره‌ای، اصل مرز اجباری، شباهت‌گریزی.

۱. مقدمه

معمولاً برای ارسال پیام از یک ساخت متداول نحوی در زبان فارسی استفاده می‌شود؛ به‌طوری‌که، سازه‌ها و عبارت‌های جمله و ترتیب آنها در دستور زبان، مشخص و از پیش تعریف شده است. اما، گاهی واژه‌ها و عبارت‌هایی به‌صورت هدفمند در هم‌نشینی با یکدیگر قرار گرفته‌اند که بافت واجی آنها مورد توجه بوده است. به‌طوری‌که، تراکم هم‌نشینی آواهای مشابه در یک عبارت یا جمله از حد معمول فراتر رفته و سرعت گفتار را کند می‌کند. از طرف دیگر، از گویشور زبان فارسی درخواست می‌شود که با سرعت بیش از حد معمول چنین عبارت یا جمله‌ای را تلفظ و تولید نماید. این دو عامل، یعنی تراکم آواهای مشابه و افزایش سرعت با هدف بازی زبانی، موجب بروز لغزش زبانی می‌شود.

۱.۱. تعریف مسئله

زبان‌شناسی مطالعه علمی زبان است و زبان‌شناسان کاربردهای مختلف زبان را در بافت‌های گوناگون بررسی می‌کنند؛ از جمله می‌توان به مطالعات گویش‌شناسی، یادگیری زبان اول یا دوم، تحلیل تغییرات تاریخی زبان‌ها و مطالعات ادبی اشاره کرد. زبان ادبی، گونه‌ای از کاربرد زبان برای بیان اهداف زیباشناسانه، فردی و خلاقانه به‌شمار می‌رود. علم زبان‌شناسی از زمان صورت‌گرایان روسی، «زبان ادبی» را از «زبان ارجاعی» جدا کرده است و معتقدند که «ادبیات» و «زبان» دو امر متفاوت هستند. در ایران نخستین بار علی‌محمد حق‌شناس، نظریه تمایز زبان و ادبیات را با نگاهی فلسفی بر اساس جداسازی دو رویکرد ادبی و زبانی مطرح کرد. رویکرد ادبی، خلاق و هنری است و رویکرد زبانی، هستی را چنان که هست بازنمایی می‌کند (فتوحی رودمجبنی ۱۳۹۸، ص ۶۶). این نگرش به تدریج داده‌های زبانی را به دو دسته شواهد درون‌پیکره‌ای و شواهد برون‌پیکره‌ای تقسیم کرده است. شواهد درون‌پیکره‌ای بر روی داده‌هایی از زبان طبیعی مطالعه می‌کند (Jensen 2004, p. 230). مطالعاتی که یک یا چند فرایند واجی را در یک گویش، لهجه یا زبان خاص بررسی می‌کنند نمونه‌هایی از مطالعات با شواهد درون‌پیکره‌ای هستند. در این روش، پژوهشگر داده‌ها را از حضور فعال در جامعه زبانی و دقت در واژه‌ها و عبارات روزمره به‌کاربرده‌شده توسط گویشوران و آوانویسی آنها به‌دست می‌آورد.

در مورد ارتباط شواهد درون‌پیکره‌ای و شواهد برون‌پیکره‌ای دو دیدگاه وجود دارد: در دیدگاه اول هر دو شواهد دارای یک نظام زبانی هستند، به‌طوری‌که شواهد برون‌پیکره‌ای مانند «ادبیات، بازی‌های زبانی و لغزش زبان» نوعی عدول از هنجارهای زبانی تلقی می‌شود. در دیدگاه دوم هر دو شواهد دارای دو نظام نشانه‌شناختی مستقل و مجزا هستند که قواعد حاکم بر آنها نسبت به یکدیگر متفاوت است. در این دیدگاه «هنجارگریزی زبانی» معنا ندارد. در این پژوهش شواهد درون‌پیکره‌ای و شواهد برون‌پیکره‌ای از دیدگاه اول بررسی می‌شوند؛ به‌طوری‌که، بازی‌های زبانی نوعی خلاقیت و هنر زبانی به‌شمار می‌روند که ماده‌اولیه آن از جنس زبان طبیعی و روزمره است. بنابراین، می‌توان برای تأیید برخی از قواعد زبان طبیعی از بازی‌های زبانی بهره جست.

هدف از نگارش این مقاله تحلیل عبارت‌ها و جمله‌هایی است که لغزش زبانی در گفتار فارسی در آنها اتفاق می‌افتد. در فرهنگ زبان‌شناسی و آواشناسی (Crystal 2008, p. 356) لغزش زبانی به مجموعه‌ای از پردازش‌های عصبی-روان‌شناختی اطلاق می‌شود که تولید گفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لقلقه یا لغزش در تلفظ^۱ آواها واژه ابداعی ویلیام اسپونر^۲ بوده که به تأسی از نام خود برای این پدیده برگزیده است. کلمات و عبارات زبان‌گیر^۳ به واژه یا مجموعه‌ای از واژه‌ها گفته می‌شود که شرایط وقوع لغزش زبانی در آن وجود دارد. این شرایط معمولاً با هدف سخت‌سازی تلفظ و نوعی بازی زبانی^۴ در آن ایجاد می‌شود. وام‌واژه‌ای مانند «اگزیستانسیالیسم» دارای نوعی آرایش واجی است که به‌طور طبیعی تلفظ آن در زبان فارسی سخت است؛ امّا، عبارت «سه‌سیر سرشیر» به‌دلیل کاربرد توالی عامدانه تکواژها و کلماتی با همخوان‌های مشابه، دارای تلفظ زبان‌گیر شده است. چنانچه از ساختار عبارت مذکور پیدا است، باهم‌آیی دو یا چند عنصر زبانی اعم از آوا، تکواژ یا واژه و تکرار آنها می‌تواند باعث بروز لغزش زبانی گردد.

روش پژوهش در این مقاله به پدیده لغزش زبان به‌عنوان یک بازی زبانی به لحاظ آوایی-واجی می‌پردازد. نتیجه حاصل از پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره لغزش زبانی این است که لغزش‌ها در الگوهای منظم و قاعده‌مند رخ می‌دهند. بالغ بر ۴۰ عبارت دارای شرایط لغزش زبانی با پژوهش در اسناد و ادبیات گفتاری و نوشتاری جمع‌آوری شده‌اند. داده‌های پژوهش عبارات موجود در زبان

1) Spoonerism

2) William A. Spooner

3) tongue twister

4) language game

فارسی هستند که واژه‌های موجود در هر عبارت به‌صورت هدفمند به‌عنوان نوعی بازی زبانی در مجاورت هم قرار گرفته‌اند تا موجب تلفظ اشتباه یا لغزش زبان گردد و فردی که بدون اشتباه تلفظی عبارات یا جمله‌های موردنظر را به درستی بازگو نماید برنده محسوب می‌شود. تعداد ۱۰ گویشور زن و مرد در سنین مختلف انتخاب شده و از آنها خواسته شده تا داده‌ها را بدون مکث و نسبتاً سریع‌تر از گفتار عادی تلفظ نمایند. سپس، تلفظ آنها واج‌نگاری شده تا در رسیدن به پاسخ مسئله پژوهش، مورد تحلیل واج‌شناختی قرار بگیرد. متغیرهای فردی و اجتماعی گویشوران در این پژوهش مدّ نظر نبوده و موضوع پژوهش از نظر بافت واجی و تأثیر واج‌ها بر یکدیگر مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲. ۱. پرسش‌های پژوهش

۱. کدام همخوان‌ها موجب بروز لغزش در زبان می‌شوند؟
۲. بروز چنین پدیده‌ای در زبان فارسی در چه بافت‌هایی مشاهده می‌شود؟

۳. ۱. پیشینه پژوهش

در این بخش برخی از پژوهش‌هایی که به پدیده لغزش زبانی از زوایای مختلف پرداخته‌اند معرفی می‌شوند. برخی، آثار این پدیده را در گویشوران خردسال و برخی آن را در قالب بازی‌های زبانی مورد مطالعه قرار داده‌اند. تعدادی از مقالات و پژوهش‌های انجام‌شده که ارتباط موضوعی و محتوایی قابل استنادی با پژوهش حاضر دارند، انتخاب و ارائه شده‌اند.

تا پیش از انتشار اثر اهمیت خطاهای زبان‌آموزان^۱ از سوی کورد^۲ (۱۹۶۷)، مطالعات خطاهای زبانی عمدتاً به فراگیری زبان دوم^۳ (SLA) محدود می‌شد و بخش زیادی از تحقیقات بر خطاهای مربوط به توانش زبانی زبان‌آموزان متمرکز بود. این در حالی است که گویشوران زبان دوم و خارجی (یا هردو) در کنش‌های زبانی دچار خطاهایی می‌شوند که ناشی از نقص نظام زبان دوم آنها نیست. این‌گونه خطا، در روان‌شناسی زبان «لغزش زبانی» یا «خطای گفتاری» نامیده می‌شود (Poulisse 1999, p. 1). این پدیده، بخشی ناخواسته و غیرعادی از طرح گفتار است (Dell 1986, p. 284).

1) The Significance of Learners' Errors

2) Corder

3) Second Language Acquisition

بارس^۱ (۱۹۹۲) لغزش زبانی را خطایی سهوی و خارج از کنترل گویشوران می‌داند که نشانگر کاربرد عادی زبان آنها نیست و اگر از گویشوران خواسته شود تا آن را اصلاح کنند، آنها قادر به انجام چنین اصلاحی هستند. دل^۲ (۱۹۹۰) در پژوهشی به مطالعه تأثیر بسامد و نوع کلمات (واژگانی و دستوری) در تولید خطاهای واجی در بین ۲۶۷ دانشجوی پرداخته و سپس انگاره‌ای برای آن ارائه کرده است. یافته‌های تحقیق نشان داده که بسامد واژه‌ها، نقشی مؤثر در بروز خطاهای واجی داشته و نوع کلمات در وقوع این خطاها اثری ندارند. در واحدهای واجی تکواژهای دستوری به اندازه واحدهای هم‌آوا در کلمات واژگانی احتمال بروز لغزش وجود دارد.

پولیس (۱۹۹۹) مطالعات خود در این زمینه را به دو بخش عمده لغزش در زبان اول و لغزش در زبان دوم تقسیم کرده و هریک از این دو گروه را شامل لغزش زبانی کودکان و بزرگسالان برشمرده است. فلاحی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای به بررسی انواع لغزش‌های زبانی در گفتار فارسی‌زبانان بزرگسال پرداخته و این پدیده را خطاهایی غیرمکرر دانسته که به‌طور عادی و طبیعی در گفتار همه انسان‌ها رخ می‌دهند. وی علت توجه به این خطاها را نقش آنها در توضیح و تبیین چگونگی فرایند تولید گفتار برشمرده است. در این مقاله، انواع لغزش‌ها در گفتار فارسی‌زبانان بزرگسال مورد بررسی قرار گرفته و نتایج حاصله نشان داده که در گفتار عادی به‌ترتیب بیشترین نوع لغزش‌ها، جانشینی واژگانی به‌دلیل شباهت معنایی و کمترین نوع لغزش‌ها، افزایش آوا و مبادله مجزا است. همچنین بررسی داده‌های موجود مؤید قاعده‌مندی وقوع لغزش‌ها است.

جم (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به مطالعه ویژگی‌های عبارت‌های زبان‌گیر و تحلیل ساختار آنها در زبان فارسی پرداخته و عبارت زبان‌گیر را عبارتی دانسته که شرایط رخداد لغزش زبانی در آن به‌صورت عمدی ایجاد شده باشد. وی کاربرد عبارت زبان‌گیر را بدین صورت می‌داند که از کسی خواسته شود تا آن را چند بار بی‌درنگ و پشت‌سرهم بازگو کند. این تحقیق، هدف از طرح عبارت‌های زبان‌گیر را دشوار کردن بازگویی آنها با هدف بازی و سرگرمی و ایجاد جملات خنده‌دار ناشی از تلفظ یا تولید اشتباه برشمرده است. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب آواشناسی تولیدی و واج‌شناسی خودواحد انجام شده است. نتایج حاصله نشان داده که رخداد

1) B. J. Baars

2) Gary S. Dell

لغزش در بازگویی عبارت‌های زبان‌گیر فارسی در مورد انواع همخوان‌های همسان سایشی، انسایشی، روان، انسدادی، خیشومی و همخوان‌های ناهمسان، واکه‌ها، واکه‌ها با همخوان‌ها، جفت کمینه، انواع جابه‌جایی و تکرار زیاد یک واژه رخ می‌دهد.

کریمی فیروزجایی و یارمند (۱۳۹۸) در پژوهشی به مطالعه اسپونریزم در گفتار کودکان چهار تا شش ساله فارسی‌زبان با رویکردی روان‌زبان‌شناختی پرداخته‌اند. هدف از این پژوهش تجزیه و تحلیل ساختار اسپونریزم‌های تولیدشده توسط کودکان جهت تعیین نقش نظم حاکم بر این لغزش زبانی در پیش‌بینی عملکرد نظام ذهنی کودکان در فرایند تولید آنها است. این تحقیق توصیفی-تحلیلی و نمونه‌های آن شامل ۳۳ مورد اسپونریزم است که از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی در دسترس از گفتار عادی کودکان چهار تا شش ساله فارسی‌زبان در چهار مهدکودک شهر تهران گردآوری شده است. وضعیت زبانی تمام کودکان که اسپونریزم‌ها را تولید کرده‌اند، به کمک آزمون رشد زبان نیوشا ارزیابی شده و فقط اسپونریزم‌هایی مورد بررسی قرار گرفته که کودک روند رشد کلامی طبیعی داشته است. در این تحقیق، به منظور بررسی داده‌ها، از آزمون دوجمله‌ای استفاده شده و نتایج حاصله نشان داده که آغاز هجا در کلام کودکان فارسی‌زبان آسیب‌پذیرتر است. همچنین، درصد خطا در برنامه‌ریزی صدا در مغز کودکان فارسی‌زبان بیشتر از درصد خطا در برنامه‌ریزی لغات است.

۲. مبانی نظری

۲.۱. شواهد درون‌پیکره‌ای

شواهد درون‌پیکره‌ای شامل مطالعاتی است که بر روی داده‌هایی انجام می‌شود که از استفاده طبیعی زبان به دست آمده‌اند (Jensen 2004, p. 230). مطالعاتی که یک یا چند فرایند واجی را در یک زبان خاص بررسی می‌کنند، نمونه‌هایی از مطالعات با شواهد درون‌پیکره‌ای هستند. به طوری که، پژوهشگر داده‌های آن را از حضور فعال در جامعه زبانی و دقت در کلمات و عبارات به کار برده شده توسط گویشوران و آوانویسی آنها به دست می‌آورد. روال کشف بازنمایی زیرین از بازنمایی آوایی مطابق روش‌شناسی انگاره واج‌شناسی زایشی (Kenstowicz & Kisseberth 1979, pp. 140-142).

اصول سه‌گانه‌ای که هرگاه تناوبی مشاهده شد، بر اساس «شواهد درون‌پیکره‌ای»^۱ آورده می‌شود، صادق‌اند: الف) هر یک از دو سوی تناوب از بازنمایی‌های زیرین خاص خود مشتق شده‌اند، تا زمانی که شواهدی برای رد آن وجود نداشته باشد؛ ب) یکی از دو سوی تناوب بر بازنمایی زیرین مشترک منطبق است، تا زمانی که شواهدی برای رد آن وجود نداشته باشد؛ پ) طرف دیگر تناوب به شکلی قاعده‌مند از بازنمایی زیرین مشترک مشتق شده است.

با در نظر گرفتن اصول سه‌گانه مذکور معیارهای چهارگانه‌ای در ادامه مطرح می‌شود: ۱. بسامد وقوع^۲: از صورت‌های در تناوب، آنکه در محیط‌های متنوع‌تری ظاهر می‌شود، بازنمایی زیرین است؛ ۲. پذیرفتگی آوایی^۳: از صورت‌های در تناوب، آن موردی بازنمایی زیرین است که قاعده تبدیل شدنش به صورت‌های دیگر در بافت آوایی پیرامونش با اصول آواشناسی قابل توجیه باشد؛ ۳. طبیعی بودن^۴: از صورت‌های در تناوب، آن موردی بازنمایی زیرین محسوب می‌شود که قاعده واجی تبدیل شدنش به صورت‌های دیگر در جمع فرایندهای آوایی آن زبان قابل تبیین باشد و غیرمنتظره و خلاف روال جلوه نکند؛ ۴. گرایش‌های جهانی: از صورت‌های در تناوب، آن موردی بازنمایی زیرین است که حضورش در زبان‌های دیگر به شکل مستقل و بدون وابستگی به طرف دیگر تناوب، مشاهده شده باشد.

۲.۲. شواهد برون‌پیکره‌ای

شواهد برون‌پیکره‌ای شواهدی خارج از نظام زبان هستند. این شواهد، در روش «انگاره آوایی زبان انگلیسی» (SPE)، در حکم معیارهایی است که بازنمایی‌های زیرین کشف شده را تأیید می‌کند. پیروان واج‌شناسی زایشی معتقدند که اهل زبان، عادات تلفظی و تولیدی خود را که حاکی از کارکرد قواعد واج‌شناختی در ذهن است، به نوعی در کنش زبانی خود آشکار می‌سازند؛ از جمله، زیرساخت بودن مشخصه‌ای خاص نسبت به مشخصه‌ای دیگر در گفتار دیده می‌شود (همان، ص ۲۹). برخی از شواهد برون‌پیکره‌ای عبارت‌اند از: ۱. لغزش زبان^۵؛ ۲. نظام‌های نوشتاری^۶؛ ۳. انتقال

1) corpus internal evidence

3) phonetic plausibility

5) slip of the tongue

2) frequency of occurrence

4) phonological naturalness

6) writing system or orthography

ویژگی‌های زبان اول به زبان دوم، مانند شکستن خوشه‌های همخوانی آغازی؛ ۴. بازی‌های زبانی که به قصد برهم‌زدن بافت آوایی و شناسایی بازنمایی زیرین صورت می‌گیرد؛ ۵. غلط‌های املایی نوآموزان و کم‌سوادان؛ ۶. تصحیح و تعمیم‌های افراطی، مانند این که بعضی گویشوران تلاش دارند به زبان معیار گفتگو کنند؛ ۷. ضروریات شعری، مانند تنگ آمدن قافیه؛ ۸. خطای گوش؛ ۹. زبان‌شناسی تاریخی (Kenstowicz & Kisseberth 1979, pp. 154-175).

۳.۲. طبقه طبیعی

در فرهنگ زبان‌شناسی و آواشناسی کریستال (2008, p. 23) طبقه طبیعی این‌گونه تعریف شده است: «گروهی از واج‌ها هنگامی یک طبقه طبیعی را تشکیل می‌دهند که تعداد مشخصه‌های آوایی لازم برای توصیف کل آن گروه کمتر از تعداد مشخصه‌های لازم برای توصیف هریک از اعضای گروه باشد... چند معیار دیگر نیز برای یک طبقه طبیعی پیشنهاد شده است، از جمله اینکه این گروه از واج‌ها باید بتوانند تحت فرایندهای واجی مشابهی قرار گیرند». هایمن (۱۳۶۸، ص ۲۱۶) معتقد است «دو یا چند صدا هنگامی یک طبقه طبیعی را تشکیل می‌دهند که مشخصه‌های لازم برای توصیف کل طبقه از مشخصه‌های موردنیاز برای توصیف هریک از اعضای آن طبقه کمتر باشد». هایمن (همان‌جا، ص ۲۱۶) در ادامه می‌افزاید «این تعریف از طبقه طبیعی را هنگامی می‌توان پذیرفت که مدرک صحیح بودن آن در خود زبان وجود داشته باشد...». به‌طورکلی، دو صدا هنگامی متعلق به یک طبقه طبیعی هستند که حداقل یکی از شروط زیر درباره آنها در تعدادی از زبان‌ها محقق باشد: ۱. دو صدا با هم مشمول قواعد واجی قرار گیرند؛ ۲. دو صدا به‌طور یکسان در محیط قواعد واجی عمل کنند؛ ۳. تبدیل یکی از آنها به دیگری از طریق قاعده واجی امکان‌پذیر باشد؛ ۴. یک صدا در محیط صدای دیگر مشتق شود (مانند موارد همگونی).

۳. ارائه و تحلیل داده‌ها

در نگاه اول، ساختار نحوی این عبارات‌ها و جمله‌ها نشان می‌دهد که غالباً دارای ساخت اسنادی و در برخی موارد بدون ذکر فعل اسنادی هستند. این نکته نشان می‌دهد که در این نوع ساخت‌ها فعل نقش بارزی ندارد. درواقع، واژه‌های غیرفعل، مانند اسم و صفت و گاهی حروف اضافه نقش اصلی را در این نوع ساخت‌ها به‌عهده دارند. نقش معنایی نیز در این نوع عبارات‌ها بسیار کم‌رنگ است.

به‌لحاظ واج‌شناختی، معمولاً واژه‌هایی انتخاب شده‌اند که دارای واج‌های متعلق به یک طبقه طبیعی هستند و در یک عبارت یا جمله با یکدیگر همنشین شده‌اند. پیام اصلی در این نوع همنشینی‌ها، عبارتی خلاقانه است که تعامل بین واژه‌ها را به‌صورت واجی نشان می‌دهد و مخاطب منظور بازی زبانی را از آن درک می‌کند.

۳. ۱. «تاجر تو چه تجارت کنی؟» در این جمله کوتاه، انسدادی [t] و انسایشی‌های تیغه‌ای [t⁴, dʒ², tʃ¹] به‌صورت متناوب در ابتدای هجاهای اول تا ششم و انتهای هجای هفتم تکرار شده‌اند. از آنجایی‌که در همخوان‌های انسایشی، یکی از انسدادی‌های [t, d] به‌عنوان جزء اول حضور دارند، توالی‌های انسایشی و انسدادی یا بالعکس با بسامد بیشتر از حد معمول و افزایش سرعت گفتار زبان‌گیر می‌شوند. در وام‌واژه‌های عربی مانند «اجتماع، اجتناب، اجتهاد، سجده، مجد» و در ترکیب‌ها و عبارت‌های فارسی مانند «تاج‌دار، پنج‌تا، پنج تومان» که دارای توالی انسایشی و انسدادی دهانی «ج، ت یا ج، د» هستند، اعمال فرایند حذف جزء انسدادی از همخوان انسایشی [dʒ] و سپس همگونی پسرو در مشخصه [واک] موجب سهولت و روانی گفتار می‌گردد. به عبارت دیگر، با حذف یکی از انسدادی‌های موجود در دو طرف جزء سایشی، عامل کندی و گیرش زبان حذف شده و تولید گفتار آسان‌تر می‌شود. از طرف دیگر، توالی انسدادی تیغه‌ای دهانی و انسایشی در یک تکواژ در وام‌واژه فرانسوی «بودجه» [buddʒe] و ترکیب‌ها و عبارت‌های فارسی مانند «بدجا، بدجور، بدجنس، بدچشم» دیده می‌شود که در آن نوعی تشدید عارضی در مرز دو هجا یا دو تکواژ پدید می‌آید. واژه‌هایی مانند «پارچ، قارچ، پنج، پنجه، رنج، گنج، کنجد، گنج، گنجه» دارای توالی «روان- انسایشی یا خیشومی- انسایشی» هستند که با داشتن مشخصه‌های متفاوت در تولید گفتار مشکلی ایجاد نمی‌کنند و فرایندی در آنها اعمال نشده است. همچنین، ریشه فعل‌هایی مانند «پیچ» که به یک همخوان انسایشی ختم می‌شود، هنگام افزودن وند گذشته /t/ با تکواژگونه [-id] با ساخت هجایی [-VC] به‌صورت «پیچید» به کار می‌رود؛ به‌طوری‌که، بین انسایشی [tʃ] و انسدادی [d] یک واکه قرار می‌گیرد تا سهولت در گفتار افزایش یابد. اما، در شواهد

برون‌پیکره‌ای مانند لغزش زبان، در چنین مواردی، واژه‌های دارای انسایشی و انسدادی دهانی به‌صورت عامدانه و آگاهانه در مجاورت یکدیگر قرار می‌گیرند تا شرایط گیرش زبانی ایجاد شود.

۲.۳. «چراغ تگار» در این عبارت، دو واژه به‌کاررفته در آن، به‌لحاظ معنایی با یکدیگر سنخیت ندارند؛ بلکه وجود همخوان‌های مکرر [r, G] در هجای دوم، هدف باهم‌آیی این دو واژه بوده است تا در تکرار سریع این عبارت، امکان لغزش زبان فراهم آید. در هجای دوم این دو واژه [ʔe.rag+ta.gar] همخوان‌های [r, G] به‌صورت [rag+gar] دیده می‌شوند؛ به‌طوری‌که، در تکرار گفتار سریع به‌صورت [ʔe.gar+ta.gar] تولید شده است. بررسی بیشتر نشان می‌دهد که ترتیب همخوان‌ها در هجای دوم واژه اول از «راغ» به «غار» جابه‌جا شده و مشابه ترتیب همخوان‌ها در هجای دوم واژه دوم شده است. این جابه‌جایی با توجه به جایگاه همخوان‌ها در درون هجا اتفاق افتاده است، به‌طوری‌که همخوان قوی‌تر در جایگاه آغاز و همخوان رسا‌تر در جایگاه پایانه قرار گرفته است و جابه‌جایی آواها در جهت ساخت هجای مطلوب پیش رفته است. این نکته نشان می‌دهد که شواهد برون‌پیکره‌ای تأییدی بر شواهد درون‌پیکره‌ای در جهت ساخت هجای بهینه عمل کرده است. همچنین، حضور همخوان‌های «ج، ت» با مشخصه‌های مشترک [-رسا، +تیغه‌ای، -واک] در ابتدای دو واژه، لغزش زبان را در این باهم‌آیی تشدید می‌کند.

۳.۳. «چه ژست زشتی» در این عبارت سه‌واژه‌ای هر هفت همخوان موجود در آن دارای مشخصه‌های مشترک [-رسا، +تیغه‌ای] هستند؛ به‌طوری‌که، حضور دو جفت همخوان‌های همجوار^۱ [س، ز] و [ش، ژ] به‌صورت متناوب در دو واژه متوالی موجب کاهش سرعت زبان می‌گردد. همچنین، حضور واکه‌های پیشین میانی و افراشته با رسایی کمتر از واکه‌های افتاده در این عبارت، لغزش زبانی را تشدید کرده است. از طرف دیگر، افزایش سرعت گفتار بیش‌ازحد معمول، احتمال وقوع لغزش زبانی را دو چندان می‌کند.

در شواهد درون‌پیکره‌ای وقتی به ریشه فعلی مانند «شناس+ت» وند گذشته اضافه می‌شود، هر چهار همخوان موجود در ستاک گذشته دارای مشخصه [+تیغه‌ای] هستند. زبان برای جلوگیری از لغزش

1) contiguous

احتمالی و تولید ساخت بهینه، همخوان [+تیغه‌ای] پایانی ریشه را با یک همخوان [-تیغه‌ای] جایگزین کرده و برون‌داد «شناخت» تولید می‌شود. همچنین، ریشه فعل‌هایی مانند «تاز و نواز» هنگام اتصال به وند گذشته [-t]، تراکم حضور همخوان‌های دارای مشخصه‌های [+جلودهانی، +تیغه‌ای] در ستاک بالا می‌رود. از این رو، همخوان پایانی ریشه با یک همخوان [-تیغه‌ای] مانند [x] جایگزین شده و برون‌دادهای بهینه «تاخت و نواخت» به‌دست می‌آید و، به‌این‌ترتیب، «اصل مرز اجباری» در خوشه پایانی رعایت شده است. اما، در شواهد برون‌پیکره‌ای مانند لغزش زبان، عکس این فرایند عمل می‌کند، به‌طوری‌که گویشوران یک زبان تکواژها یا واژه‌هایی را در کنار یکدیگر قرار می‌دهند که مشخصه‌های مشترک در بین واج‌های آنها زیاد باشد و احتمال گیرش زبانی افزایش یابد.

۳. ۴. «تیر و تبر ببر به بر پیر تیزگر، گو تیز کن تبر از تیر تیزتر» از ۳۲ همخوان موجود در این شبه‌جمله، ۲۹ همخوان دارای مشخصه مشترک [+جلودهانی] و ۱۹ همخوان دارای مشخصه [-پیوسته] هستند. افزایش سرعت گفتار در تکرار این جمله که دارای تناوب میان همخوان‌های [r⁹, t⁸, b⁶, z⁴] می‌باشد، احتمال لغزش زبان را افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، تلفظ انسدادی‌های تکراری به‌صورت متناوب با محل تولید یکسان یا همجوار در ناحیه جلوی دهان، همراه با افزایش بیش از حد معمول سرعت در گفتار موجب گیرش زبان می‌شود. در شواهد درون‌پیکره‌ای وقتی به ریشه فعل‌هایی مانند: «تاب+ت» و «شتاب+ت» وند گذشته اضافه می‌شود، توالی دو همخوان [b+t] در مرز دو تکواژ با افزایش تراکم حضور انسدادی در پایانه هجای فعل، صورت بهینه محسوب نمی‌شود. از این رو، همخوان انسدادی پایانی ریشه با سایشی لبی-دندانی [v] جایگزین می‌شود تا «اصل مرز اجباری» رعایت گردد. در نهایت، پس از اعمال فرایند همگونی پَسرو در مشخصه [-واک] برون‌داد بهینه «تافت و شتافت» به‌دست می‌آید. تراکم همخوانی با مشخصه [-پیوسته] در برخی وام‌واژه‌های عربی مانند: «بطن، غبن، قطب، قطع، متن» و واژه‌های فارسی مانند: «بند، بَنگ، پَند، تَنگ، تُنگ، جُغد، چَند، چَنگ، دَند، قَند، گَند، نَنگ» دیده می‌شود. این نوع واژه‌ها ممکن است حداقل یکی از این ویژگی‌ها را داشته باشند: ۱. دارای یک همخوان خیشومی هستند که با همخوان‌های حفره دهان به‌لحاظ شیوه تولید متفاوت‌اند؛ ۲. محل‌های تولید

متنوع دارند؛ به‌طوری‌که، محل تولیدشان فقط در ناحیه جلوی دهان متمرکز نشده است؛ ۳. این نوع واژه‌ها غالباً با واکه‌های کوتاه همراه هستند که از رسایی بیشتری برخوردارند. تنوع همخوانی با محل‌های تولید متفاوت بیشتر با واکه‌های رساتر دیده می‌شود.

۳. ۵. «سربازی سربازی سُر سُرَبازی سُر سُرَبازی را شکست» این جمله دارای ۳۲ همخوان است که ۲۴ تا از آنها $[r^9, s^9, z^5, t^1]$ دارای مشخصه‌های مشترک [+تیغه‌ای، +جلودهانی] می‌باشند. در این جمله، با استفاده از تکواژهای «سُر، سُر، باز، بازی» و ترکیب‌های آنها، بسامد همخوان‌های مذکور از حد معمول بیشتر شده است. در یک جمله طبیعی و بی‌نشان بسامد یک یا چند آوا در مقایسه با بسامد سایر آواها به‌صورت چشمگیر افزایش ندارد. از طرف دیگر، در جمله‌هایی که با هدف به اشتباه انداختن زبان ساخته می‌شوند، بسامد یک یا چند صدای مشابه، به‌صورت غیرعادی افزایش می‌یابد. تناوب میان واکه‌های $[a, o]$ نیز در این آرایش واژگانی لغزش زبانی را تشدید می‌کند. در داده‌های درون‌پیکره‌ای تراکم همخوان‌های $[s, z, r]$ در واژه‌های فارسی مانند: «ترس، خرس، درز، رزم، زرد، زهر، سبز، سرخ، سرد، فارس، گرز» معمولاً با یک همخوان دارای مشخصه [-پیوسته] یا همخوانی که مشخصه محل تولید آن [-تیغه‌ای] باشد همراه است.

۳. ۶. «یه یویوی یه یورویی» این عبارت هشت هجای باز به‌صورت CV دارد که هفت هجای آن دارای غلت کامی و یک هجا دارای همخوان روان^۱ به‌صورت $[j^7, r^1]$ می‌باشد، به‌طوری‌که هردو دارای مشخصه [+رسا] هستند. تکرار همخوان‌های یکسان و نیز هجاهای یکسان موجب نقض «اصل مرز اجباری» می‌شود. از طرفی، همخوان‌های روان جزو آواهای نشاندار به‌شمار می‌روند. به‌طوری‌که، روان‌ها آخرین همخوان‌هایی هستند که در یک زبان پدید می‌آیند و اولین همخوان‌هایی هستند که از یک زبان در حال انقراض حذف می‌شوند. آخرین آواهایی که کودکان می‌توانند بیاموزند، همخوان‌های روان می‌باشند و تا قبل از یادگیری آنها، غلت کامی را به‌جای آوای روان تولید می‌کنند. حضور همخوان‌های یکسان، هجاهای باز متوالی و تکرار واکه‌های $[e, o]$

1) liquid

به‌صورت متناوب امکان لغزش زبانی را فراهم می‌کند. افزایش سرعت گفتار نیز گیرش زبان را تشدید می‌نماید. در چنین بافتی، غلت کامی [j] جایگزین همخوان روان /r/ می‌شود.

۳. ۷. «ریله رو روله، روله رو ریله» در این جمله ۱۲ همخوان شامل [r⁶, l⁴, j²] وجود دارد که هر سه دارای مشخصه [رسا] هستند. از طرفی، دو همخوان [r, l] به‌جز در مشخصه [کناری] در سایر مشخصه‌ها مشترک هستند؛ از این رو، در یک طبقه طبیعی «روان» قرار می‌گیرند و در فرایندهای واجی مشترک شرکت می‌کنند. بنا بر تعریف یک طبقه طبیعی امکان تبدیل یکی به دیگری در برخی بافت‌ها وجود دارد. این فرایند در برخی زبان‌ها از جمله لاتین (Kenstowicz 1994, p. 35 and 94) و همچنین در برخی گویش‌های ایرانی از جمله قاننی (زمردیان ۱۳۶۸، ص ۳۶-۳۷) و سبزواری (بروغنی ۱۳۸۳، ص ۶۶-۶۹) مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه، در گویش سبزواری واژه‌های دارای دو همخوان کناری مانند «خِلال، خِلَل، خَلیل، دلال، دلیل، ذلیل» عضو پایانی با روان [r] به‌صورت «خلار، خَلَر، خَلیر، دَلار، دلیر، ذَلیر» جایگزین می‌گردد. گویشور زبان فارسی با آگاهی از این ویژگی، واژه‌هایی را که دارای این دو همخوان روان هستند در همنشینی با یکدیگر قرار می‌دهد تا بافت لازم برای ایجاد لغزش زبانی فراهم گردد. از طرفی، یکی از علل فرایند ناهمگونی می‌تواند لغزش زبانی باشد. به تعبیر ساده، در بافت‌هایی که صداها متوالی به کار رفته است، شباهت زیاد ممکن است باعث بروز فرایند ناهمگونی شود تا از لغزش زبانی جلوگیری کند. فرایندی نظیر همگونی نیز تا جایی پیش می‌رود که زبان به غلط نیفتد و، در نهایت، هردوی این فرایندها هدفشان ایجاد سهولت تلفظ است.

۴. نتیجه‌گیری

دو پرسش اصلی این مقاله عبارت‌اند از: ۱. کدام همخوان‌ها موجب بروز لغزش در زبان می‌شوند؟ ۲. بروز چنین پدیده‌ای در زبان فارسی در چه بافت‌هایی مشاهده می‌شود؟ ۴. ۱. از آنجایی که فعال‌ترین عضو در میان اندام‌های گفتاری نوک و تیغه زبان است، حدود نیمی از همخوان‌های هر زبان در این ناحیه تولید می‌شوند و دارای مشخصه [+تیغه‌ای] هستند. از ۲۳ همخوان زبان فارسی تعداد ۱۱ همخوان [+تیغه‌ای] محسوب می‌شوند. از این رو، در اکثر عبارت‌ها و جمله‌های حاوی لغزش زبان، همخوان‌های تیغه‌ای بیشتر به کار رفته‌اند.

۴. ۲. بافت‌هایی که در شواهد درون‌پیکره‌ای، به‌منظور رعایت «اصل مرز اجباری» از آن پرهیز می‌شود، در شواهد برون‌پیکره‌ای مانند لغزش زبانی با هدف سرگرمی و بازی، عامدانه و هدفمند در مجاور یکدیگر قرار می‌گیرند. از این رو، اصل مرز اجباری در چنین مواردی نقض می‌گردد، به‌طوری‌که، آواهای یکسان یا متعلق به یک طبقه طبیعی در یک جمله یا عبارت از تراکم بیش‌از‌حد معمول برخوردارند. در شواهد درون‌پیکره‌ای هم‌نشینی تکواژها و واژه‌ها معمولاً با اهداف معنایی، نحوی، یا صرفی انجام می‌شود. درحالی‌که، در شواهد برون‌پیکره‌ای مانند پدیده لغزش زبان هم‌نشینی واژه‌ها با هدف قرارگرفتن آواهای یکسان یا مشابه در کنار یکدیگر روی می‌دهد، به‌طوری‌که، به‌لحاظ مشخصه‌های تمایزدهنده غالباً به یک طبقه طبیعی تعلق دارند. در این پدیده زبانی گاهی ساخت معنایی، گاهی ساخت نحوی و گاهی هردو تحت تأثیر اهداف لغزش زبانی به حاشیه رانده می‌شوند و غالباً حوزه آواشناسی و واج‌شناسی محور توجه قرار می‌گیرد.

۴. ۳. یکی از علل بروز فرایند ناهمگونی در واج‌شناسی می‌تواند پرهیز از لغزش زبانی باشد. در بافت‌هایی که صداهای مشابه متوالی به کار رفته است، شباهت زیاد در جایگاه تولید یا شیوه تولید همخوان‌ها ممکن است باعث بروز فرایند ناهمگونی شود تا از لغزش زبانی جلوگیری کند. فرایندی نظیر همگونی نیز تا جایی پیش می‌رود که زبان به غلط نیفتد و، در نهایت، هردوی این فرایندها هدف‌شان ایجاد سهولت تلفظ در گفتار است.

منابع

- بروغنی، فاطمه (۱۳۸۳)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، «بررسی واج‌شناختی گویش سبزواری»، به راهنمایی عالیّه کرد زعفرانلو کامبوزیا، دانشگاه تربیت مدرس.
- جم، بشیر (۱۳۹۶)، «بررسی ویژگی‌های عبارت‌های زبان‌گیر و تحلیل ساختار آنها در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، سال نهم، ش ۲ (پیاپی ۱۷)، ص ۵۹-۷۶.
- زمرّدیان، رضا (۱۳۶۸)، بررسی گویش قاین، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- فتوحی رودمعهجی، محمود (۱۳۹۸)، سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، چاپ چهارم، تهران، سخن.
- فلاحی، محمدهادی (۱۳۸۶)، «بررسی انواع لغزش‌های زبانی در گفتار فارسی‌زبانان بزرگسال»، زبان و زبان‌شناسی، سال سوم، ش ۵ (پیاپی ۵)، ص ۱۲۷-۱۳۶.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیّه (۱۳۹۷)، واج‌شناسی: رویکردهای قاعده‌بنیاد، چاپ هفتم، تهران، سمت.

کریمی فیروزجایی، علی و هانیه یارمند (۱۳۹۸)، «بررسی اسپونریزم در گفتار کودکان ۴-۶ ساله فارسی‌زبان: رویکردی روان-زبان‌شناختی»، جستارهای زبانی، سال دهم، ش ۲، ص ۲۲۵-۲۵۰.
 هایمن، لاری ام. (۱۳۶۸)، نظام آوایی زبان: نظریه و تحلیل، ترجمه یدالله ثمره، تهران، فرهنگ معاصر.

- Baars, Bernard J. (1992), "Experimental Slips and Human Error: Exploring the Architecture of Volition", *Plenum Press*, pp. 93-120.
 Corder, S. P. (1967), "The Significance of Learners' Errors", *International Review of Applied Linguistics in Language Teaching*, 5, pp. 161-170.
 Crystal, D. (2008), *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, Oxford, Blackwell.
 Dell, Gary S. (1986), "A Spreading-Activation Theory of Retrieval in Sentence Production", *Psychological Review*, 93(3), pp. 283-321.
 Dell, G. S. (1990), "Effects of Frequency and Vocabulary Type on Phonological Speech Errors", *Language and Cognitive Processes*, 5(4), pp. 313-349.
 Jensen, J. T. (2004), *Principles of Generative Phonology: An Introduction*, Amsterdam/Philadelphia, John Benjamins.
 Kenstowicz, M. & Kisseberth, Ch. (1979), *Generative Phonology: Description and Theory*, New York, Academic Press Inc.
 Kenstowicz, M. (1994), *Phonology in Generative Grammar*, Oxford, Blackwell.
 Poullisse, Nanda (1999), *Slips of the Tongue: Speech Errors in First and Second Language Production*, Amsterdam, John Benjamins.

References

Sources are in Persian unless otherwise specified.

- Boroughani, Fatemeh (2004, MA thesis), "A Phonological Study of Sabzevari Dialect", Aliyeh Kord Zafaranlu Kambuziya (ed.), Tarbiat Modares University.
 Fallahi, Mohammad-Hadi (2007), "An Investigation of Different Types of Speech Errors in Adult Farsi Speakers", *Language and Linguistics*, Vol. 3, No. 5 (S/N 5), pp. 127-136.
 Fotouhi Roudma'jani, Mahmoud (2019), *Stylistics: Theories, Approaches, and Methods*, 4th print, Tehran, Sokhan.
 Hyman, Larry M. (1989), *Phonology: Theory and Analysis*, trans. Yadollah Samareh, Tehran, Farhang Moaser Publishers.
 Jam, Bashir (2017), "Features of Tongue Twisters and Analysis of Their Structure in Persian", *Journal of Researches in Linguistics*, Vol. 9, No.2 (S/N 17), pp. 59-76.
 Karimi Firouzjaei, Ali & Hanieh Yarmand (2019), "A Study of Spoonerism in Speech of 4-6 Years Old Persian-speaking Children: A Psycholinguistic Perspective", *Language Related Research*, Vol. 10, No.2, pp. 225-250.
 Kord Zafaranlu Kambuziya, Aliyeh (2018), *Phonology: Rule-based Approaches*, 7th print, Tehran, SAMT.
 Zomorrodian, Reza (1989), *A Study of Ghayeni Dialect*, Mashhad, Astan-e Qods-e Razavi.

